



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

تحقیق هفته

شماره: 516

(01-04 جوزا 1405 هـ ش)

تحول در نظم انرژی خلیج فارس؛ بررسی عوامل خروج امارات متحده عربی از اوپیک



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- تحول در نظم انرژی خلیج فارس؛ بررسی عوامل خروج امارات متحده عربی از اوپیک 3
- پیدایش اوپیک و نقش آن در نظام اقتصاد جهانی 3
- جایگاه امارات متحده عربی در اوپیک و اقتصاد نفتی جهان 5
- عوامل خروج امارات متحده عربی از اوپیک 6
- پیامدهای خروج امارات برای اوپیک و بازار جهانی انرژی 9
- نتیجه گیری 10
- منابع 11



تحول در نظم انرژی خلیج فارس؛ بررسی عوامل خروج امارات متحده عربی از اوپیک

مقدمه

سازمان اوپیک در بیش از شش دهه یکی از مهمترین بازیگران نظام انرژی جهان و ابزار اصلی هماهنگی سیاست‌های نفتی کشورهای صادرکننده نفت بوده است. این سازمان نه تنها در تنظیم عرضه و قیمت نفت نقش محوری ایفا کرده، بلکه به بخشی از معادلات جیوپولیتیکی و اقتصادی جهان تبدیل شده است. با این حال، تحولات ساختاری در بازار جهانی انرژی، ظهور بازیگران جدید، افزایش تولید نفت شیل در ایالات متحده،¹ و تغییر اولویت‌های اقتصادی کشورهای عضو، به تدریج انسجام سنتی اوپیک را با چالش روبه‌رو ساخته است.

در این میان، امارات متحده عربی به‌عنوان یکی از مهمترین تولیدکنندگان نفت خلیج فارس، در دهه‌های اخیر سیاستی متفاوت از بسیاری اعضای سنتی اوپیک در پیش گرفته است. ابوظبی همزمان با حفظ جایگاه خود در بازار نفت، تلاش کرده اقتصاد خود را متنوع ساخته و وابستگی به درآمدهای نفتی را کاهش دهد. همین تغییر در ساختار اقتصادی و استراتژی‌های توسعه‌ای، به تدریج فاصله‌ای میان منافع امارات و سیاست‌های سنتی اوپیک ایجاد کرد؛ فاصله‌ای که سرانجام در تصمیم خروج این کشور از سازمان آشکار شد.

این نوشته تلاش می‌کند با بررسی جایگاه اوپیک در نظام جهانی انرژی، نقش امارات در بازار نفت، عوامل سیاسی و اقتصادی خروج این کشور از اوپیک و پیامدهای احتمالی آن برای بازار جهانی انرژی را مورد تحلیل قرار دهد.

پیدایش اوپیک و نقش آن در نظام اقتصاد جهانی

سازمان کشورهای صادرکننده نفت Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC) در سال ۱۹۶۰ توسط پنج کشور ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا در شهر بغداد تأسیس شد.² دلیل اصلی ایجاد این سازمان، نارضایتی کشورهای تولیدکننده نفت از سلطه شرکت‌های بزرگ نفتی غربی بود که قیمت نفت و میزان تولید را بدون مشورت با دولت‌های صاحب منابع تعیین می‌کردند. در واقع این کشورها می‌خواستند با ایجاد یک سازمان مشترک، از منافع اقتصادی خود دفاع کنند، قیمت نفت را تثبیت نمایند و در برابر نفوذ شرکت‌های غربی استقلال بیشتری به دست آورند. بعدها کشورهای دیگری مانند امارات متحده عربی، قطر، الجزایر، لیبیا و نیجریا نیز به اوپیک پیوستند و این سازمان به بزرگ‌ترین ائتلاف نفتی جهان تبدیل شد.³

البته اوپیک از همان آغاز تنها یک سازمان اقتصادی محض نبود، بلکه بعد سیاسی نیز داشت. اعضای این سازمان دریافتند که نفت می‌تواند به ابزار قدرت و نفوذ در نظام بین‌الملل تبدیل شود. مهمترین هدف اوپیک، هماهنگی سیاست‌های نفتی اعضا و جلوگیری از سقوط قیمت نفت بود. برای همین، اوپیک تلاش کرد میزان تولید نفت کشورهای عضو در سازمان را تنظیم کند تا تعادل میان عرضه و تقاضا حفظ شود. این سیاست سبب شد کشورهای نفت خیز درآمد بیشتری به دست آورند و نقش فعال‌تری در اقتصاد جهانی پیدا کنند. در دهه‌های بعد، اوپیک به نماد همکاری کشورهای در حال توسعه در برابر سلطه اقتصادی غرب تبدیل شد.⁴

البته قدرت واقعی اوپیک در دهه ۱۹۷۰ آشکار شد؛ زمانی که بحران نفتی ۱۹۷۳ رخ داد. پس از جنگ اعراب و اسرائیل، کشورهای عرب صادرکننده نفت تصمیم گرفتند در واکنش به حمایت امریکا و غرب از اسرائیل، صادرات نفت را کاهش دهند. این اقدام باعث شد قیمت نفت در مدت کوتاهی چند برابر شود و اقتصاد غرب با بحران شدید انرژی، تورم و رکود روبه‌رو گردد.⁵ این بحران نشان داد که نفت تنها یک کالای اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند به یک سلاح سیاسی و جیوپولیتیکی تبدیل شود. از سوی دیگر، درآمد کشورهای نفتی خلیج فارس به شدت افزایش یافت و آنها توانستند پروژه‌های بزرگ اقتصادی و عمرانی را آغاز کنند.

یکی از مهمترین ابزارهای اوپیک برای کنترل بازار نفت، نظام سهمیه‌بندی تولید بود. بر اساس این نظام، برای هر کشور عضو مقدار مشخصی از تولید نفت تعیین می‌شد تا از افزایش بیش از حد عرضه و سقوط قیمت‌ها جلوگیری شود.⁶ با وجود این، اجرای سهمیه‌بندی همیشه آسان نبود؛ زیرا بسیاری از کشورها برای کسب درآمد بیشتر، گاهی از سهمیه تعیین شده فراتر می‌رفتند.⁷ در میان اعضا، عربستان سعودی نقش اصلی را در رهبری اوپیک داشت؛ چون بزرگ‌ترین ظرفیت تولید و ذخایر نفتی را در اختیار داشت و می‌توانست با کاهش یا افزایش تولید خود، بر قیمت جهانی نفت اثر بگذارد.⁸ به همین دلیل، عربستان عملاً رهبر غیررسمی اوپیک شناخته می‌شد.

از دهه اول قرن بیست و یکم به بعد، اوپیک با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو شد. مهمترین چالش، افزایش تولید نفت شیل در ایالات متحده بود که سهم اوپیک را در بازار جهانی کاهش داد.⁹ برای مقابله با این وضعیت، اوپیک همکاری خود را با کشورهای غیرعضو، به خصوص روسیه، گسترش داد و در سال ۲۰۱۶ ائتلاف «اوپیک پلس» شکل گرفت. این همکاری سبب شد کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت بتوانند در مدیریت بازار و جلوگیری از سقوط شدید قیمت‌ها هماهنگ‌تر عمل کنند. با این حال، اختلافات سیاسی و رقابت منافع میان اعضای اوپیک پلس، بارها انسجام این ائتلاف را تهدید کرده است.^{۱۰}

چنانچه به نظر می‌آید امروزه نفوذ سنتی اوپیک نسبت به دهه‌های گذشته کاهش یافته باشد. چراکه رشد انرژی‌های تجدیدپذیر، گسترش خودروهای برقی، افزایش رقابت جهانی در بازار انرژی و تولید نفت توسط

کشورهایی مانند امریکا و کانادا، توان اوپیک را برای کنترل کامل بازار محدود ساخته است. علاوه بر این، اختلافات داخلی میان اعضا، به خصوص رقابت میان عربستان و امارات متحده عربی، بر انسجام این سازمان تأثیر گذاشته است. در نتیجه، اوپیک همچنان یکی از مهمترین بازیگران بازار جهانی نفت باقی مانده، اما دیگر قدرت مطلق دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ را ندارد و با چالش‌های پیچیده‌ای در نظام جدید انرژی جهان روبه‌رو است.¹¹

جایگاه امارات متحده عربی در اوپیک و اقتصاد نفتی جهان

امارات متحده عربی یکی از مهمترین کشورهای نفت خیز خلیج فارس و از بازیگران تأثیر گذار در بازار جهانی انرژی به شمار می‌رود. این کشور در سال ۱۹۶۷ به (اوپیک) پیوست و از آن زمان تاکنون نقش مهمی در سیاست‌های نفتی این سازمان داشته است. بخش عمده ذخایر نفت و گاز امارات در ابوظبی قرار دارد و همین مسئله باعث شده ابوظبی مرکز اصلی سیاست انرژی این کشور باشد. امارات با برخورداری از ذخایر بزرگ نفت خام و گاز طبیعی، توانسته در کنار عربستان سعودی و کویت، به یکی از ستون‌های اصلی تولید انرژی در خلیج فارس تبدیل شود. موقعیت جغرافیایی این کشور در کنار خلیج فارس و نزدیکی به مسیرهای مهم انتقال انرژی نیز اهمیت استراتژیک آن را افزایش داده است.¹²

نقش امارات در بازار جهانی نفت بیشتر از طریق شرکت ملی نفت ابوظبی Abu Dhabi National Oil Company (ADNOC) اعمال می‌شود که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های دولتی نفت و گاز جهان محسوب می‌گردد. این شرکت مسئول استخراج، تولید، پالایش و صادرات نفت امارات است و طی دهه‌های اخیر تلاش کرده با استفاده از فناوری‌های پیشرفته و همکاری با شرکت‌های بین‌المللی، جایگاه امارات را در بازار انرژی تقویت کند. ابوظبی به دلیل ظرفیت بالای تولید و توانایی افزایش سریع صادرات، در بسیاری از تصمیمات اوپیک نقش مهمی داشته است. در کنار آن، امارات توانسته با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بندری، خطوط انتقال و پالایشگاه‌ها، نقش خود را به‌عنوان یک مرکز تجارت جهانی انرژی تثبیت کند. با وجود وابستگی تاریخی به نفت، امارات برخلاف بسیاری از دولت‌های نفتی منطقه، از دهه‌های گذشته به تدریج سیاست تنوع بخشی اقتصادی را دنبال کرده است. زیرا نوسانات قیمت نفت می‌تواند ثبات اقتصادی را تهدید کند. به همین دلیل، امارات سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در بخش‌هایی مانند تجارت جهانی، حمل‌ونقل، بانکداری، گردشگری، فناوری، هوانوردی و خدمات مالی انجام داد. شهر دبی به یکی از مهمترین مراکز تجاری و مالی خاورمیانه تبدیل شد و اقتصاد امارات به تدریج از حالت صرفاً نفتی خارج گردید. این تحول اقتصادی باعث شد منافع امارات از بسیاری از اعضای سنتی اوپیک متفاوت شود.¹³

به همین منظور، برخی تحلیلگران مطرح کردند که اقتصاد امارات امروز بیش از آنکه به قیمت بالای نفت وابسته باشد، به رشد اقتصاد جهانی، تجارت بین‌المللی و جریان سرمایه خارجی وابسته است. در حالی که

برخی کشورهای اوپیک بیشتر بر افزایش قیمت نفت تأکید دارند، امارات در بسیاری از موارد ترجیح داده از سیاست‌هایی حمایت کند که رشد پایدار بازار جهانی را تضمین نماید.¹⁴ این تفاوت دیدگاه به تدریج فاصله‌ای میان منافع امارات و رویکرد سنتی اوپیک ایجاد کرد و بعدها در اختلافات مربوط به سهمیه‌بندی که پس از سال 2021 شدت گرفت نیز آشکار شد.¹⁵

در سال‌های اخیر، سیاست انرژی امارات وارد مرحله جدیدی شده است. این کشور همزمان دو مسیر را دنبال می‌کند: از یک سو تلاش می‌کند ظرفیت تولید نفت خود را افزایش دهد و سهم بیشتری از بازار جهانی به دست آورد و از سوی دیگر در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری وسیع انجام می‌دهد. امارات پروژه‌های بزرگی در زمینه انرژی خورشیدی و فناوری‌های پاک راه‌اندازی کرده و تلاش دارد خود را به یکی از پیشگامان انرژی آینده در منطقه تبدیل کند.¹⁶ میزبانی نشست‌های بین‌المللی اقلیمی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های فناوری انرژی نیز بخشی از این استراتژی است. این سیاست نشان می‌دهد که امارات در تلاش است میان منافع نفتی کنونی و الزامات اقتصاد جهانی آینده توازن برقرار کند.

بدون شک یکی از مهمترین محورهای سیاست نفتی امارات، پروژه افزایش ظرفیت تولید نفت است. امارات متحده عربی طی سال‌های اخیر میلیاردها دلار برای توسعه میادین نفتی و افزایش توان تولید سرمایه‌گذاری کرده است و همواره تلاش دارد تا سال 2027 میلادی ظرفیت تولید خود را به 5 میلیون بشکه در روز برساند. چنانچه ظرفیت تولید نفت امارات اکنون به حدود ۴٫۸۵ میلیون بشکه در روز رسیده، در حالی که سهمیه رسمی این کشور در چارچوب توافق‌های اوپیک پلس حدود ۳٫۴ میلیون بشکه در روز تعیین شده بود؛ یعنی نزدیک به ۱٫۵ میلیون بشکه در روز از ظرفیت تولیدی امارات به دلیل محدودیت‌های سهمیه‌بندی بلااستفاده باقی می‌ماند.¹⁷ در این صورت حضور امارات متحده عربی در اوپیک محدودیت وضع نموده مانع افزایش تولید انرژی و درآمد ملی می‌شود.

عوامل خروج امارات متحده عربی از اوپیک

نظر به اینکه عوامل خروج امارات متحده عربی از سازمان کشورهای صادرکننده نفت یا اوپیک متعدد می‌باشد بنابراین این قسمت را به دو بخش عمده زیر تقسیم می‌کنیم:

عوامل اقتصادی خروج امارات از اوپیک

۱. اختلاف بر سر سهمیه‌بندی تولید نفت: یکی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی نارضایتی امارات، اختلاف بر سر سهمیه تولید نفت در چارچوب اوپیک و اوپیک پلس بود. امارات طی سال‌های اخیر میلیاردها دلار در توسعه صنعت نفت سرمایه‌گذاری کرد و ظرفیت تولید خود را افزایش داد، اما سهمیه تعیین‌شده از سوی اوپیک پایین‌تر از ظرفیت واقعی این کشور بود. ابوظبی معتقد بود که معیارهای محاسبه سهمیه‌ها قدیمی

بوده و با توان فعلی تولید امارات همخوانی ندارد. در نتیجه، این کشور احساس می‌کند که بخش بزرگی از ظرفیت تولیدی‌اش بلااستفاده مانده و درآمدهای بالقوه نفتی آن محدود شده است.¹⁸

۲. سرمایه‌گذاری‌های گسترده در توسعه صنعت نفت: شرکت ملی نفت ابوظبی چون (ADNOC) در سال‌های اخیر پروژه‌های کلانی را برای توسعه میادین نفتی و افزایش تولید آغاز کرده است. این پروژه‌ها شامل توسعه زیرساخت‌های استخراج، افزایش ظرفیت پالایشگاه‌ها و جذب سرمایه‌گذاری خارجی بود. امارات معتقد بود که ادامه محدودیت‌های اوپیک باعث می‌شود بازده اقتصادی این سرمایه‌گذاری‌ها کاهش یابد. به همین دلیل، ابوظبی به این نتیجه رسید که آزادی بیشتر در تعیین میزان تولید می‌تواند سود اقتصادی بیشتری برای کشور ایجاد کند.

۳. رقابت برای حفظ سهم بازار جهانی نفت: امارات نگران بود که محدودیت‌های اوپیک در درازمدت سهم بازار جهانی این کشور را کاهش دهد. در سال‌های اخیر تولیدکنندگان بزرگی مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا و برازیل تولید نفت خود را افزایش داده‌اند و رقابت در بازار جهانی شدیدتر شده است. ابوظبی نگران بود که اگر بیش از این به سیاست‌های محدودکننده اوپیک پایبند بماند، ممکن است بخشی از مشتریان و بازارهای صادراتی خود را از دست بدهد.

۴. نگرانی از آینده بازار انرژی: یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امارات، آینده نامطمئن بازار جهانی انرژی بود. گزارش‌های نهادهای بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد که جهان به تدریج به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی حرکت می‌کند. توسعه موثرهای برقی، سیاست‌های کاهش انتشار کربن و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک، آینده بازار نفت را با ابهام روبه‌رو ساخته است. در چنین شرایطی، امارات تلاش داشت پیش از کاهش احتمالی تقاضای جهانی برای نفت، حداکثر استفاده اقتصادی را از ذخایر نفتی خود انجام دهد. بناء این نگرانی درباره آینده بازار انرژی، ابوظبی را به سوی سیاستی سوق داد که در آن آزادی بیشتر در تولید نفت، نسبت به تعهدات محدودکننده اوپیک، اولویت پیدا کرد.¹⁹

عوامل سیاسی و جیوپولیتیک‌ی خروج امارات از اوپیک

۱. تمایل به استقلال بیشتر در سیاست انرژی: امارات در سال‌های اخیر تلاش کرده سیاست خارجی و اقتصادی مستقل‌تری را دنبال کند. این کشور شاید نمی‌خواست تصمیمات کلیدی انرژی خود را کاملاً تابع توافقات جمعی اوپیک نگه دارد. ممکن است ابوظبی معتقد باشد که برای حفظ جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود، باید آزادی بیشتری در تعیین سیاست‌های نفتی و صادراتی داشته باشد.

۲. اختلافات با عربستان سعودی: اگرچه امارات و عربستان سعودی متحدان نزدیک منطقه‌ای به شمار می‌روند، اما در سال‌های اخیر رقابت میان دو کشور افزایش یافته است. این رقابت در حوزه‌های اقتصادی،

تجاری، انرژی و حتی برخی پرونده‌های منطقه‌ای مانند جنگ یمن دیده می‌شود. امارات احساس می‌کند که ساختار اوپیک بیش از حد تحت نفوذ عربستان قرار دارد و بسیاری از تصمیمات کلیدی در راستای منافع ریاض اتخاذ می‌شود.

۳. اختلاف نظر درباره نقش روسیه در اوپیک پلس: پس از تشکیل اوپیک پلس، روسیه به یکی از بازیگران اصلی سیاست نفتی تبدیل شد. امارات نسبت به افزایش وابستگی تصمیمات اوپیک پلس به منافع روسیه در کنار نزدیکی امارات به آمریکا و جناح غرب، نگرانی داشت. همچنان جنگ اوکراین و تحریم‌های غرب علیه مسکو، فضای همکاری در اوپیک پلس را پیچیده‌تر کرده بود و ابوظبی شاید نمی‌خواست سیاست انرژی اش بیش از حد تحت تأثیر بحران‌های جیوپولیتیکی روسیه قرار گیرد.

۴. سیاست امارات محوری: در سال‌های اخیر، امارات سیاستی را دنبال کرده که بر اولویت دادن به منافع ملی تأکید دارد. این رویکرد به معنای کاهش وابستگی به چارچوب‌های سنتی منطقه‌ای و افزایش استقلال در تصمیم‌گیری است. در چنین فضایی، باقی ماندن در ساختاری که آزادی عمل اقتصادی و نفتی کشور را محدود کند، با سیاست کلان امارات همخوانی نداشت.

۵. تلاش برای تقویت جایگاه جیوپولیتیکی: ممکن است امارات بخواهد تا خود را به عنوان یک قدرت مستقل و تأثیرگذار در بازار جهانی انرژی معرفی کند. افزایش آزادی عمل در تولید و صادرات نفت، می‌توانست نقش این کشور را در روابط با قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده آمریکا، چین و هند تقویت کند. چراکه استقلال بیشتر در سیاست انرژی، نفوذ بین‌المللی آن را افزایش خواهد داد.

۶. نگرانی‌های امنیتی و منطقه‌ای: تحولات امنیتی خلیج فارس، از جمله جنگ آمریکا-اسرائیل با ایران و نگرانی درباره امنیت تنگه هرمز و همچنان عدم واکنش جدی اعضای اوپیک در پیوند به تهدیدات ایران علیه زیر ساخت‌ها و مواضع نفتی این کشور، ممکن است بر سیاست انرژی امارات تأثیر گذاشته باشد. هرچند این سیاست امنیتی، با تمایل امارات به استقلال بیشتر از چارچوب‌های سنتی اوپیک نیز بی‌پیوند نخواهد بود.

۷. کاهش نفوذ سنتی اوپیک: همچنان احتمال می‌رود امارات به این نتیجه رسیده باشد که اوپیک دیگر مانند دهه‌های گذشته قدرت تعیین‌کننده مطلق در بازار جهانی نفت را ندارد. افزایش تولید کشورهای غیرعضو، گسترش انرژی‌های جایگزین و تغییرات بازار جهانی، نفوذ اوپیک را محدود کرده است. از دید ابوظبی، تکیه بیش از حد بر سازمانی که نفوذ آن کاهش یافته، دیگر پاسخگوی منافع بلندمدت کشور نخواهد بود.

پیامدهای خروج امارات برای اوپیک و بازار جهانی انرژی

خروج امارات متحده عربی از اوپیک یکی از مهمترین تحولات سال‌های اخیر در بازار جهانی انرژی به شمار می‌رود؛ زیرا امارات تنها یک عضو عادی اوپیک نبود، بلکه یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت خلیج فارس و دارای ظرفیت مازاد قابل توجه برای افزایش تولید محسوب می‌شد. به همین دلیل، این اقدام ضربه‌ای نمادین به اعتبار و انسجام اوپیک وارد کرد. اوپیک طی دهه‌های گذشته تلاش کرده بود تصویر یک سازمان هماهنگ و توانمند را حفظ کند؛ اما خروج کشوری مانند امارات این تصور را تقویت کرد که اختلافات داخلی میان اعضا رو به افزایش است و اجماع سنتی در درون سازمان تضعیف شده است. در این صورت ممکن است این تحول اعتماد بازار به توان اوپیک در مدیریت منسجم بازار نفت را کاهش دهد.

یکی از مهمترین پیامدهای این تحول، تضعیف انسجام داخلی اوپیک است. در گذشته، قدرت اوپیک تا حد زیادی به هماهنگی میان اعضای کلیدی آن وابسته بود؛ اما اختلافات بر سر سهمیه‌بندی تولید، رقابت اقتصادی و تفاوت در استراتژی‌های انرژی، باعث شده برخی اعضا دیگر منافع خود را کاملاً در چارچوب سیاست‌های جمعی سازمان نبینند. خروج امارات این احتمال را مطرح کرده که سایر کشورها نیز در آینده مسیر مشابهی را انتخاب کنند؛ به خصوص کشورهایی که ظرفیت تولید بالایی دارند و احساس می‌کنند محدودیت‌های اوپیک مانع توسعه منافع اقتصادی آن‌ها شده است. اگر چنین روندی ادامه یابد، اوپیک ممکن است به تدریج بخشی از انسجام تاریخی خود را از دست بدهد و قدرت چانه‌زنی آن در بازار جهانی کاهش یابد. همچنان این سوال مطرح می‌شود که:

- آیا خروج امارات نشانه آغاز افول تدریجی این سازمان است؟

بسیاری از کارشناسان معتقدند قدرت اوپیک نسبت به دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کاهش یافته است.²⁰ در آن دوران، این سازمان می‌توانست با کاهش یا افزایش تولید، شوک‌های بزرگی در اقتصاد جهانی ایجاد کند؛ اما امروز بازار نفت بیش از گذشته تحت تأثیر عوامل غیراوپیکی قرار دارد. افزایش تولید نفت شیل در ایالات متحده، رشد صادرات کشورهای غیراوپیکی، گسترش فناوری‌های انرژی و تغییر الگوهای مصرف جهانی، باعث شده توان اوپیک برای کنترل کامل بازار محدودتر شود. از این منظر، خروج امارات تنها یک تصمیم ملی نیست، بلکه می‌تواند بازتابی از تغییرات ساختاری در نظام جهانی انرژی باشد.

از نظر اقتصادی، خروج امارات ممکن است در درازمدت بر قیمت جهانی نفت اثر بگذارد. امارات طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری گسترده‌ای برای افزایش ظرفیت تولید انجام داده و در صورت رهایی از محدودیت‌های اوپیک، احتمال دارد تولید نفت خود را افزایش دهد. افزایش عرضه جهانی نفت می‌تواند در بلندمدت فشار نزولی بر قیمت‌ها وارد کند؛ به خصوص اگر سایر تولیدکنندگان نیز برای حفظ سهم بازار خود تولید را بالا ببرند. با این حال، در کوتاه‌مدت بازار نفت همچنان به شدت تحت تأثیر بحران‌های جیوپولیتیک

قرار دارد. جنگ‌ها، تحریم‌ها، تنش‌های خاورمیانه و نگرانی درباره امنیت انتقال انرژی از خلیج فارس هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای در نوسانات قیمت نفت دارند و می‌توانند تأثیر افزایش تولید را تا حدی خنثی کنند. خروج امارات همچنان می‌تواند رقابت در بازار جهانی انرژی را تشدید کند. در سال‌های اخیر، رقابت میان صادرکنندگان نفت برای جذب مشتریان جدید و حفظ سهم بازار افزایش یافته است. امارات تلاش می‌کند با توسعه زیرساخت‌های انرژی، افزایش ظرفیت صادرات و استفاده از فناوری‌های پیشرفته، موقعیت خود را در بازار جهانی تقویت کند. این رویکرد ممکن است سایر کشورها را نیز به افزایش تولید و رقابت بیشتر تشویق نماید. در چنین فضایی، بازار جهانی نفت به تدریج از الگوی سنتی کنترل‌شده فاصله می‌گیرد و به سمت رقابت بازتر و انعطاف‌پذیرتر حرکت می‌کند. همین مسئله می‌تواند نقش تاریخی اوپیک به‌عنوان تنظیم‌کننده اصلی بازار نفت را با چالش جدی مواجه سازد.

در سطح کلان، پیامدهای خروج امارات فراتر از اوپیک بوده و با آینده نظم جهانی انرژی ارتباط دارد. جهان امروز در حال حرکت به سمت تنوع بخشی منابع انرژی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی است. بسیاری از کشورها سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در انرژی‌های تجدیدپذیر، خوردروهای برقی و فناوری‌های پاک انجام می‌دهند و این روند ممکن است در دهه‌های آینده تقاضای جهانی نفت را کاهش دهد. در چنین شرایطی، کشورهای نفت‌خیز تلاش می‌کنند جایگاه خود را در اقتصاد آینده بازخوانی کنند. خروج امارات از اوپیک را می‌توان بخشی از این تحول گسترده‌تر دانست؛ تحولی که نشان می‌دهد دولت‌های تولیدکننده نفت به دنبال انعطاف بیشتر، رقابت مستقل‌تر و سازگاری با نظم جدید انرژی جهان هستند.

نتیجه‌گیری

بررسی روند شکل‌گیری اوپیک و جایگاه امارات متحده عربی در این سازمان نشان می‌دهد که خروج امارات صرفاً یک تصمیم مقطعی یا اختلاف فنی بر سر سهمیه‌های تولید نبود، بلکه بازتابی از تحولات عمیق در ساختار اقتصاد جهانی انرژی و تغییر موازنه قدرت در خلیج فارس به شمار می‌رود. اوپیک در دهه‌های گذشته توانسته بود با هماهنگی میان اعضا، بر بازار جهانی نفت تأثیر بگذارد و حتی اقتصاد قدرت‌های بزرگ را تحت فشار قرار دهد؛ اما تحولاتی مانند رشد نفت شیل آمریکا، گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش رقابت جهانی و اختلافات داخلی میان اعضا، به تدریج از میزان نفوذ سنتی این سازمان کاسته است. در چنین شرایطی، امارات به این نتیجه رسید که منافع اقتصادی و استراتژیک جدید این کشور دیگر به‌طور کامل با چارچوب سنتی اوپیک هماهنگ نیست.

تحلیل عوامل اقتصادی و جیوپولیتیکی خروج امارات نشان می‌دهد که ابوظبی در پی افزایش استقلال استراتژیک و انعطاف بیشتر در سیاست انرژی خود بوده است. سرمایه‌گذاری گسترده این کشور برای افزایش ظرفیت تولید نفت، نگرانی درباره آینده تقاضای جهانی نفت و تلاش برای کسب حداکثر درآمد پیش از ورود

جهان به عصر پسانفت، از مهمترین عوامل اقتصادی این تصمیم به شمار می‌روند. در کنار آن، رقابت میان اعضای اوپیک بر سر رهبری اقتصادی و جیوپولیتیکی خلیج فارس، اختلافات منطقه‌ای، جنگ یمن و نزدیکی بیشتر امارات به غرب، زمینه سیاسی و استراتژیک این تحول را تقویت کرد. بنابراین، خروج امارات را می‌توان بخشی از استراتژی کلان این کشور برای بازخوانی جایگاه خود در نظم منطقه‌ای و جهانی دانست؛ استراتژی که بر استقلال تصمیم‌گیری، تنوع اقتصادی و حضور فعال‌تر در بازار جهانی انرژی استوار است.

در نهایت، پیامدهای این تحول تنها محدود به امارات یا اوپیک نیست، بلکه آینده نظم جهانی انرژی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. خروج امارات نشانه‌ای از آن است که بازار جهانی نفت به تدریج از ساختار سنتی مبتنی بر کنترل جمعی فاصله گرفته و به سمت رقابت بازتر و انعطاف‌پذیرتر حرکت می‌کند. اگرچه اوپیک همچنان یکی از بازیگران مهم بازار انرژی باقی خواهد ماند، اما دیگر همان قدرت بلامنازع دهه‌های گذشته نخواهد ماند و ناچار است خود را با واقعیت‌های جدید جهانی سازگار سازد. در عین حال، کشورهای نفت‌خیز نیز به دنبال آن هستند که پیش از کاهش احتمالی نقش نفت در اقتصاد جهان، جایگاه اقتصادی و جیوپولیتیکی خود را تثبیت کنند. از این منظر، خروج امارات از اوپیک را می‌توان نه یک رویداد منفرد، بلکه بخشی از روند بزرگ‌تر تحول در نظام جهانی انرژی و انتقال تدریجی جهان به مرحله‌ای جدید از رقابت‌های اقتصادی و جیوپولیتیکی دانست.

منابع

¹ نفت شیل در ایالات متحده: به نفتی گفته می‌شود که از لایه‌های سنگی شیل در امریکا استخراج می‌گردد. این نوع نفت با استفاده از فناوری‌هایی مانند حفاری افقی و شکست هیدرولیکی (Fracking) تولید می‌شود. افزایش تولید نفت شیل در ایالات متحده، امریکا را به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان تبدیل کرده و توازن بازار جهانی انرژی و سیاست‌های اوپیک را تحت تأثیر قرار داده است.

² "Brief History," Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC), Accessed May 16, 2026,

[link:](#)

³ *Encyclopaedia Britannica – OPEC*. "OPEC," Accessed May 17, 2026, [link:](#)

⁴ "Brief History," [Organization of the Petroleum Exporting Countries \(OPEC\) – Brief History](#), Accessed May 17, 2026, [link:](#)

⁵ [حظر النفط العربي عام 1973 بسبب حرب أكتوبر، الجزيرة نت، متاح علي:](#)

⁶ اوپیک با سیستم جدید سهمیه‌بندی نفت، رقابت سرمایه‌گذاری میان اعضا را شعله‌ور کرد، مجله اطلاعات روز، 14 قوس 1404،

[در دسترس:](#)

⁷ [أوبك.. من تكتل نفطي إلى لاعب محوري في توازنات الطاقة، الجزيرة نت، 28\4\2026، متاح علي:](#)

⁸ *Economy of Saudi Arabia, Britannica Money*, Accessed May 17, 2026, [link:](#)



⁹ استاد منير، العايب، 2018، دور النفط الصخري والاتفاق النووي في استقرار أسواق النفط، جامعة الجزائر: مجلة دولية محكمة نصف سنوية متخصصة في العلوم القانونية والسياسية، العدد 12، ص 219. [متاح على:](#)

¹⁰ أوبك بلس.. تحالف دولي وسع تأثير الدول المنتجة للنفط، الجزيرة نت، 2026\4\28، [متاح على:](#)

¹¹ أوبك.. من تكتل نفطي إلى لاعب محوري في توازنات الطاقة، الجزيرة نت، 2026\4\28، [متاح على:](#)

¹² أبو الطرايش، أحمد، وداعا أوبك.. محطات في مسار الإمارات داخل أكبر تكتل نفطي عالمي، الجزيرة نت، 2026\4\28، [متاح على:](#)

13

سيمبسون، ريببكا، التنوع الاقتصادي - نقطة قوة الإمارات، مركز دبي لبحوث السياسات العامة، 26 سبتمبر 2017، [متاح على:](#)

[على:](#)

¹⁴ ADNOC: <https://adnoc.ae/ar/our-story/our-heritage>

¹⁵ الإمارات و"أوبك" حقائق على هامش قرار الخروج، اقتصاد الشرق مع بلومبرغ، 28 ابريل 2026، [متاح على:](#)

¹⁶ وزارة التغيير المناخي والبيئة: استراتيجية الإمارات للطاقة المتجددة، [متاح على:](#)

¹⁷ الإمارات و"أوبك" حقائق على هامش قرار الخروج، اقتصاد الشرق مع بلومبرغ، 28 ابريل 2026، [متاح على:](#)

¹⁸ Ibid.


¹⁹ International Energy Agency (IEA), "Outlook for Battery and Energy Demand," In *Global EV Outlook 2024*, Paris: IEA, 2024, Accessed May 23, 2026, [link:](#)

²⁰ Danielsen, Albert L, Britannica Money-OPEC, Last modified March 2, 2026, [link:](#)

مركز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش های دقیق و بی طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنمندی پالیسی ها در افغانستان ومنطقه فعالیت می کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.orgوب سایت: www.csrsaf.org

 : +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org